

در تابعیت

« ۴ »

فصل دوم - تابعیت اولیه سرزمینی

این نوع تابعیت برخلاف تابعیت نسبی که ناظر بنسل و نسب و مستقل از محل تولد بود ناظر بمحل تولد و مستقلاً از نسل و نسب است.

ولی برای تحقق این تابعیت دو شرط اساسی زیر لازم است والا شایسته و معقول نیست که هر طفلی را که پدر و مادرش برای گردش یا کار و یا انجام مأموریتی به مملکتی وارد شدند بصرف تولد در خاک آنکشور آنها از آن خود دانسته و تابعیت سرزمینی بروی تحمیل نمایند.

(۱) - فقدان اصل و نسب با اتباع مملکت محل اقامت.

(۲) - وابستگی طولانی و رابطه مناسب با مملکت محل اقامت.

مواد مربوطه به تابعیت اولیه سرزمینی عبارتند از :

الف - قانون ایران : مقدمه و بندهای ۳ و ۴ و ۵ از ماده ۹۷۶ و ماده ۹۷۸ قانون

تابعیت « قانون مدنی »

ب - قانون فرانسه : مواد ۲۱ تا ۲۶ قانون تابعیت فرانسه ق.ت.ف

قسمت اول - تابعیت ایرانی که بعلت فقدان یا عدم تحقق نسب اعطاء میشود.

اول - بند ۳ ماده ۹۷۶ - بر طبق این بند تمام افراد متولده در ایران از پدر

و مادر ناشناس ایرانی هستند.

این بند شامل طبقات مختلفی از افراد است باین شرح :

۱ - اطفالیکه ابوبین آنها نه توسط خودشان شناخته شده و نه توسط دیگران.

۲ - اطفال نامشروعیکه مادر آنها معلومند.

۳ - اطفالیکه در حقیقت مشروع هستند ولی ابوبین آنها بعلت فقدان مدارک رسمی

و عرفی عاجز از اثبات مدعای خود میباشند.

۴ - اطفال پیدا شده که ابوبین آنها بعلت فقر و تنگدستی ایشانرا در سنین شیرخوارگی

و یا کودکی رها کرده‌اند.

۵ - اطفال گمشده‌ای که بعلت بازیگوشی و یا عدم مواظبت و نگاهداری منظم

والدین از خانه خود دور و راه برگشت را نمیدانند.

۶ - اطفال نامشروع دور انداخته و ناشناس.

تمام این اطفال ممکن است از پدر و مادر ایرانی در خاک ایران متولد شده باشند

و یا خارجی و در کشور خارج هم بوجود آمده باشند. ولی مسلماً اکثر قریب بتمام اطفال

شیرخواره و تازه متولد در ایران بدنیا آمده‌اند. بهر حال چون نمیتوان یقیناً تعیین نمود که

این بچه‌ها در کجا و از چه کسانی بوجود آمده‌اند ناگزیر بایستی قبول کرد که تمام آنها

در ایران متولد شده‌اند.

حقوق مقانسه

قانون ایران در مورد اطفال مزبور منطقی عمل کرده و بدون احتیاج بتصریح آنها را مشمول بند ۳ فوق نمود.

قانون فرانسه بالعکس در ماده ۲۲ ق. ت. ف. تمام اطفال تازه متولد را تا ثبوت خلاف متولد در فرانسه و فرانسوی میداند.

بنظر ما تصریح فوق زائد و اجتهاد برنص است چه فی‌المثل اگر طفل شیر خوار و یا طفل دو ساله ای که نمیتواند حرف بزند و یا طفل ۱ ساله‌ای که لال است پیدا شود و پدر و مادر آنها هم نامعلوم بمانند چه تصویری ممکن خواهد بود جز آنکه گفته شود این اطفال متولد در خاک فرانسه و یا از پدر و مادر فرانسوی هستند.

بحث تفصیلی

آیا چنین تابعیتی موقتی است یا دائمی

بدیهی است تابعیتی که بعلت فقدان نسب بافرااد مذکور (شماره ۱ ع) داده شود موقتی میباشد. زیرا اغلب ممکن است اولیاء اطفال آنها را پیدا کنند و یا اینکه بر اثر علاقه فرزندی در صدد تهیه اوراق رسمی ازدواج بر آیند و غیره در اینصورت دولتها ناگزیر بچه‌ها را بصاحبان نشان که از کشور دیگر هستند رد میکنند.

باید دید قانون ایران چگونه است

در قانون ایران ماده یا جمله خاص مذکور در ماده ای که دلالت بر این تغییر تابعیت و پس گرفتن آن بنماید ندارد!

لیکن ممکن است از فحوای بند ۱ ماده ۹۷۶ جواز این امر را استنباط کرده زیرا بند ۱ مزبور چنین مصرح است:

« کلیه ساکنین تبعه ایران محسوب می‌شوند باستثنای اشخاصی که

تابعیت خارجی آنها مسلم باشد. »

علیهذا چنانچه پدر و مادر اطفال پیدا شده در خاک ایران مراجعه نموده و اسناد و مدارک لازمه را ارائه نمایند تابعیت خارجی طفل مسلم و محقق میشود و از تابعیت سرزمینی ایرانی خارج میگردد.

نقص مهم

اگر فرض کنیم که با وجود بند ۱ بالا دیگر احتیاجی به تصریح موقتی بودن تابعیت سرزمینی در مورد اطفال مذکور در (نمره ۱ ع) نمیشد تعین و روشن کردن این نکته لازم و ضروری است که تا چه موقع میتوان این تابعیت را تغییر داد؟

زیرا اگر بنا باشد اینچنین تابعیتی دائم در معرض تغییر و تبدیل قرار گیرد و مثلاً زوجی بعد از ۲ سال بتواند با تهیه و ارائه قبالة بچه خود را ببرد در اینصورت هم تکلیف چنین طفلی معلوم نیست و هم وضع دولت و قانون آن در این مورد مبهم است. پس باید لااقل چنین مقرر شود که:

تغییر تابعیت نسبی پس از سن رشد ممکن نیست مگر بر طبق مقررات تابعیت

قانون فرانسه - در ق. ت. ف. موقتی بودن تابعیت سرزمینی فوق در ماده ۲۲ بعبارت

« . . . تا دلیل خلاف . . . » و مدت امکان تغییر تابعیت در ماده ۲۱ بعبارت « . . . در دوره صفر . . . » مصرح است . ولی با وجود این دارای نواقصی است که مخصوصاً باید مورد توجه قانون گذار ایران نیز قرار گیرد زیرا :

۱ - ممکن است هویت خارجی اطفال پیدا شده از روی آثاری مثلاً گردنبدی که ذکر تمام مشخصات و تولد طفل بگردن او آویزان باشد (چنانکه در اغلب جاها مرسوم است) و یا علائم دیگر چون حرف زدن طفل و غیره مسلم و مشخص شود ولی پدر و مادر او پیدا نشوند در اینصورت قانون در اینکه طفل را به سفارتخانه کشور متبوعه او بدهد و با خود نگاهدارد ساکت است !

۲- ممکن است اطفال خارجی در کشتی یا هواپیما و یا اتومبیل پس از یک حادثه وحشتناک باقی بمانند و کشور والدین آنها معلوم نشود در اینصورت تکلیف طفل چیست؟ آیا طفل متعلق بدولت صاحب کشتی یا هواپیما است؟

و آیا طفل متعلق بدولت سرزمینی است که حادثه در آن اتفاق افتاده است؟ و غیره .
بهر حال قانون برای هر گونه اقدامی در این باب ساکت است .

دوم - دیده شد که اطفال متولد در ایران از پدر و مادر ناشناس بر طبق بند ۳ ماده ۹۷۶ ق. ت. تابعیت ایرانی خواهند داشت . اما ممکن است افراد متعدد دیگری پیدا شوند که پدر و مادر آنها ناشناس نبوده و معلوم الحال باشند ولی خودشان شخصاً فاقد تابعیت باشند (مثل کولیها) .

یا از آنها سلب تابعیت شده باشد (مثل تبعیدی و تنبیهی)
یا اصولاً تابعیت نا معلوم و مشکوک داشته باشند (مانند پناهندگان و مهاجرین)
این قبیل اشخاص در قانون ایران مشمول بند اول ماده ۹۷۶ قانون تابعیت شده و بعلت اینکه تابعیت خارجی آنان مسلم نیست داخل در تابعیت ایران میشوند . ولی این خود عیب و نقص بسیار بزرگی است زیرا :

از نظر حفظ منافع سیاسی ، انتظامی و نظامی یک کشور صلاح نیست که هر کس بآنگاه نا مسلم بودن تابعیتش مشمول بند اول ماده ۹۷۶ قانون مدنی شده و بلافاصله از مزایای قانون تابعیت ایران استفاده کند !

ممکن است در عمل بنکات مزبور و نقص یاد شده توجه شود ولی بهر حال بایستی موضوع مورد توجه قانونگذار قرار گرفته و صریح باشد .

در قانون فرانسه - گواینکه ماده صریحی موجود نیست لیکن قانونگذار با توجه بتصویبنامه ۱۳ نوامبر ۱۹۳۸ (که هنوز در جریان است و ماده ۲۱ ق. ت. ف. که بان تصویبنامه اشاره کرده و بالاخره بند ۱ ماده ۱۸ قانون مزبور متوجه این مطلب شده و احتیاجی بوضع ماده خاصی ندیده است .

قسمت دوم

تابعیت ایرانی که بعلت تولد و یک رابطه سیاسی با کشور با افراد خارجی اعطاء میشود :

اول - بند ۴ ماده ۹۷۶ :

بر طبق این بند اطفال متولد در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها نیز در ایران متولد شده باشند ایرانی شناخته میشوند. !

ملاحظه میشود که تابعیت ایرانی که باین طفل داده میشود تنها بر اساس تولد او در خاک ایران نباشد و با رابطه محکم دیگری که عبارت از تولد یکی از ابویین او در این سرزمین است توأم میباشد.

بدیهی است وقتی یکی از ابویین طفل متولد در ایران خود در ایران متولد شده باشد مستلزم آنستکه یکی از ابویین این اخری هم لااقل مدت مدیدی مقیم کشور بوده باشد و با این ترتیب سه نسل پیدا بشود که حد اقل ۲ سال با این کشور ارتباط نزدیک داشته اند و بالنتیجه طفل متولد بایستی خواه و ناخواه تابعیت سرزمینی خود را پیدا کند و میکند.

نقش بند مزبور در آنستکه قانونگذار بدون توجه بجهات خوب و بد موضوع و بدون تفریق بین پدر طفل با مادر او فقط بمصرف تولد یکی از ابویین در خاک ایران و یا تولد بعد از اقامت دائم آن طفل را ایرانی دانسته است و بعد با کمال گذشت و بزرگواری در ماده ۹۷۷ اطفال فوقرا در مهلت یکسال پس از رسیدن بسن بلوغ در اختیار تابعیت ایرانی و با تابعیت پدر خود مخیر گذاشته است.

باید در نظر گرفت که اگر فقط مادر طفل در ایران متولد شده بود ممکن بود گذشت قانونگذار را قابل قبول دانست لیکن در موردی که طفل در ایران متولد شده و پدر او هم در ایران متولد شده باشد دیگر اینموضوع مشمول اطفال متولد از پدر ایرانی میشود و نمیتوان اینچنین اطفال را خارجی دانست و نباید آنها را در انتخاب تابعیت ایران مخیر گذاشت! خوشبختانه اینموضوع چنانکه در فصل شرائط اختیار تغییر تابعیت (شماره .) خواهیم دید تا حدی جلوگیری شده ولی بپور حال بایستی مورد توجه قانونگذار قرار گیرد. در قانون فرانسه موضوع فوق بخوبی از مفاد مواد ۲۳ و ۲۴ ق. ت. ف. مستفاد شده و دقیقاً معلوم میشود که ایندولت فقط باطفال متولد از مادریکه در فرانسه متولد شده است اختیار تغییر تابعیت میدهد نه بکسیکه پدرش در فرانسه متولد شده باشد.

دلیل آن واضح است باینمعنی که مادر معمولاً برای مدت کوتاهی آنها بدون داشتن کار و رابطه مشخصی برای گردش یا اکثراً بتبعیت شوهر در کشورهای دیگر میرود در حالیکه پدر ممکن است سالیان دراز برای انجام کار بخصوص و یا مأموریت در کشور خارجی اقامت گزیند.

مستثنیات قانونی تابعیت سرزمینی

تبصره ماده ۹۷۱ ق. م. ا و ماده ۳۳ ق. ت. ف. اطفال متولد از نمایندگان سیاسی کنسولهای خارجی را در خاک کشور شمول از تابعیت سرزمینی مستثنی کرده است. تشریح بند ۴ ماده ۹۷۱ ق. م. ا بکرات مطالعه شد کلمه بند ۴ مزبور ناظر باشخاص است که در خاک ایران متولد شده و یکی از ابویین ایشانهم در همانجا متولد شده باشد.

- حال ممکن است وضع پدر و فرزند در حالات مختلفه زیرا قرار گیرد :
- الف - پدر خارجی و پس از تولد طفل تبعیت ایرانی درمیآید .
- ب - پدر خارجی و قبل از تولد طفل ایرانی شده و پس از تولد او مجدداً بتابعیت اولیه بر میگردد .
- ج - پدر ایرانی و بعد از تولد طفل به تبعیت خارجی درمیآید .
- د - پدر ایرانی و قبل از تولد طفل تبعه خارجی شده و بعد از تولد مجدداً بتابعیت ایرانی بر میگردد .
- حال در موارد بالا و در نظر گرفتن ماده ۹۸۴ که میگوید :

« زن و اولاد صغیر کسانی که بر طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران مینمایند تبه دولت ایران شناخته میشوند ولی زن در ظرف یکسال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر و اولاد صغیر در ظرف یکسال از تاریخ رسیدن بسن ۱۸ سال تمام میتواند اظهاریه کتبی بوزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق شوهر و یا پدر را قبول کند لکن باظهاریه اولاد اعم از ذکور و اناث باید تصدیق مذکور در ماده ۷۷ ضمیمه شود . »

طفل چه تابعیتی خواهد داشت ؟

جواب مسئله با مطالعه بحث قبلی بند ۴ مذکور (نمره ۲۸ در مورد رابطه تابعیت پدر و طفل) و توجه بقسمت اخیر بحث نمره ۴ (در موضوع اینکه طفل متولد در ایران از پدر خارجی که خود در ایران متولد شده است نباید حق انتخاب تابعیت داشته باشد) کاملاً روشن و واضح است که چنین اطفالی نمیتوانند و نمیبایستی حق انتخاب تابعیت را دارا شوند و چنانچه بخواهند از تابعیت ایرانی خارج شوند باید طبق مقررات تقاضای تغییر تابعیت نمایند زیرا ماده ۹۸۴ مذکور فقط ناظر بر خارجیانیکه هیچ رابطه قبلی با ایران نداشته و فقط با حصول شرائط لازم و تقاضای شخصی بتابعیت ایرانی درآمده اند و نه خارجیانیکه در ایران متولد شده یا ایرانیانیکه خارجی شده اند .

دوم بند ۵ ماده ۹۷۶ - بر طبق این بند افرادی که در ایران از پدر خارجی متولد شده و بلافاصله پس از رسیدن بسن رشد لااقل یکسال دیگر در ایران باقی بمانند ایرانی محسوب میشوند .

برای حصول این نوع تابعیت رعایت چند شرط لازم است :

- ۱ - پدر مطلقاً خارجی است و در ایران متولد نشده در غیر اینصورت مشمول بند ۴ میشود .
 - ۲ - طفل در ایران متولد شده باشد . باستثنای اطفال نمایندگان سیاسی .
 - ۳ - طفل یکسال دیگر پس از رسیدن بسن رشد در ایران مقیم باشد .
 - ۴ - در ظرف یکسال پس از رشد تابعیت خارجی پدر را انتخاب کرده باشد .
- نسبت بشرائط مذکوره مستفاد از بند ۵ دو نکته شایان توجه است :
- اول - مراد از اقامت در ایران همان اقامت سیاسی و حقوقیست که قبلاً ذکر شد (قسمت ۳ از نمره ۴)

بعبارة اخري اقامتگاه مذکور در ماده ۱۰۰۲ ق. م. یعنی مرکز مهم عملیات شخص میباشد. بنا بر این اگر چنین طفلی عملاً در ایران نبوده ولی مرکز مهم عملیات و کار و تحصیل و زندگی او در ایران باشد مقیم ایران شناخته میشود.

دوم مراد از ذکر کلمه «دیگر» در سطر دوم بند ه مذکور آنستکه طفل بایستی قبل از رسیدن بسن بلوغ حتماً مقیم ایران بوده و این اقامت نیز متصل بیکسال اقامت بعد از رشد باشد والا چنانچه قبل از رشد اقامت نداشته و یا اقامتش متصل بدومی نباشد ایرانی محسوب نمیشود.

ماده ۹۷۸ قانون مدنی ایران - بر حسب تفصیلی که قبلاً داده شد (نمره ۲۷) چون ممکن است در مورد بند ۲ ماده ۹۷۶ اشکالی پیدا شده و کشورهای دیگر تابعیت سرزمینی خود را صرفاً بلحاظ تولد طفل در آنسرزمین تحمیل نمایند ناگزیر قانونگذار ماده ۹۷۸ را وضع کرده است!

تا آنجا که مطالعه شد نظیر این ماده قانون که دارای خواص متعدده است در قوانین سایر کشورها دیده نشده و یا کم دیده میشود. خواص ماده مزبور بقرار زیر است:

الف - از تعداد تابعیت جلوگیری میکند.
ب - تعارض و اختلاف قوانین را در مورد اعطاء تابعیت «اصل خاک» خصوصاً در کشورهاییکه تابعیت سرزمینی خود را باطفال متولده از پدر خارجی را در آنجا تحمیل میکنند از بین میبرد.

ج - معرف سلطه و حکومت قوانین داخلی کشور است که در قدیم (قبل از کودتا) بواسطه رژیم خود مختاری ضعیف شده بود.

د - با وجود این قانون میتوان خارجیان مقیم کشور را بدون هیچ نگرانی قبول کرد. آنها را داخل در افراد مملکت دانست و با کثرتشان در صورت تمایل تابعیت ایرانی اهداء کرد.

بالاخره اطفال متولد از اتباع کشورهای تابعیت سرزمینی خود را باطفال متولد از پدران ایرانی تحمیل میکنند ایرانی دانسته و با آنها معامله متقابل انجام داد.

فصل سوم - اختیار انتخاب تابعیت «La Faculté, d'option» دو گروه

از اشخاص حق و اختیار انتخاب تابعیت پدر یا تابعیت سرزمینی اعطائی را دارا میباشند.

گروه اول - کسانی هستند که بر طبق ماده ۹۷۷ ق. م. ا. تعیین شده اند یعنی اطفال متولده در ایران از پدر خارجی متولد در ایران از پدر خارجی غیر متولد در ایران (بند ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ ق. م. ا.)

گروه دوم - اشخاصی هستند که ماده ۹۸۴ ق. م. ا. آنها را نامبرده است یعنی زن و اطفال مردانیکه بتابعیت ایرانی در آمده اند.

در حقوق فرانسه اشخاص زیر میتوانند اختیار انتخاب تابعیت را دارا شوند:

گروه اول کسانیکه در مواد ۱۹ و ۲۰ ق. ت. ف. بآنها اشاره شده و عبارتند از اطفال متولده از مادر فرانسوی در خارج از فرانسه و یا اطفالیکه توسط یک زن فرانسوی بفرزندی گزیده شوند.

گروه دوم اطفالیکه مشمول ماده ۲۴ ق. ت. ف. میباشد یعنی آنها که از مادر خارجی متولد در فرانسه متولد شده اند.

گروه سوم آنهائیکه بر طبق ماده ۴۵ ق. ت. ف. در فرانسه از پدر خارجی بوجود آمده اند :

شرایط تابعیت سرزمینی و انتخابات تابعیت پدر در قانون فرانسه با کمی تفاوت شبیه قانون ایران است که بتدریج بمطالعه آنها پرداخته و هر کجا لازم شد بشرح و تفصیل آن خواهیم پرداخت.

شرایط اعمال حق انتخاب تابعیت: «Conditions d'exercice de la Faculté d'option.»

الف - شرایط معنوی: «Conditions de fond»

اول - پدر باید دارای تابعیت مشخص باشد (در قانون فرانسه اگر پدر کولی بیوطن «apatride» یا دارای تابعیت مشکوک و نا معلوم باشد ناچار تابعیت مادر بایستی حتماً معلوم باشد بند ۱ از ماده ۱۸ ق. ت. ف.)

اگر پدر دارای تابعیت معینی نباشد بدیهی است بچه نمیتواند تابعیتی را که اصولاً معدوم یا نا مشخص است برای خود انتخاب نماید و در چنین حالتی این قبیل افراد مشمول بند اول ماده ۹۷۶ میشوند (نمره ۴۵)

دوم - متقاضی بایستی درخواست کتبی تقدیم کند زیرا نمیتوان بدون دلیل موجهی از کسی سلب تابعیت نمود و یا بکسی تابعیتی تحمیل کرد (ماده ۹۷۷ ق. م. ا. و ماده ۳ ق. ت. ف. بند ۱)

سوم - بایستی تا تاریخ تقدیم تقاضا تابعیت پدر متقاضی محفوظ بوده باشد. بدیهی است بصرف تقاضای کتبی نمیتوان حق رد و یا قبول تابعیتی را دارا شد. زیرا :

۱ - ممکن است تقاضا بمنظور تخطی و سرپیچی از قوانین ملی باشد.

۲ - ممکن است اصولاً تابعیت پدر بععل خاصی بطفل او منتقل نشده و یا بوی داده نشده باشد. در اینصورت طفل تابعیتی نداشته است که آنرا رد کند.

۳ - ممکن است کشور جدیدیکه طفل تقاضای تابعیت آنرا نموده است اصولاً تابعیت خود را باو اعطاء نکند.

در تمام حالات مذکوره چنانچه تابعیت پدر طفل قبلاً برای او محفوظ نباشد ممکن است مشارالیه با چنین تقاضائی بی تابعیت و بی وطن بشود و این خود برخلاف قوانین بین المللی اخلاق است (ماده ۹۷۷ ق. م. ا. و ماده ۳۱ ق. ت. ف. اشکال مذکور را پیش بینی کرده است)

چهارم - تقاضا بایستی در فصل معینی از سن بعمل آید.

در قانون ایران طبق ماده ۹۷۷ ق. م. ا. ظرف یکسال بلافاصله پس از رشد انجام تقاضا امکان پذیر است.

در قانون فرانسه تا سال ۱۹۴۵ یکسال پس از رسیدن بسن رشد بود ولی از آن تاریخ تا حال در ظرف ۶ ماه قبل از رسیدن بسن ۲۱ سال میباشد. دلیل این مطلب دو مورد استنباط میشود :

۱ - چون خدت نظام وظیفه در سن ۲۱ سال شروع میشود نمیتوان فصل حق انتخاب تابعیت مذکور را بعد از سن ۲۱ قرار داده و خدمت نظام را مدتی بتعویق انداخت.

۲ - چون سن رشد در فرانسه ۲۱ سال است نبایستی فصل مزبور را بعد از آن قرار داد. زیرا چه بسا که شخص با استفاده از مزایای قانونی کشور معاملات حقوقی انجام و پس از انقضاء مهلت تابعیت فرانسه را رد و بتابعیت پدر خود درآید. (رجوع بنمره ۵۷) پنجم - انتخاب تابعیت بایستی در مهلت و مدت معینی انجام گیرد :

این مهلت در قانون ایران طبق ماده ۹۷۷ ق. م. ا. یکسال پس از سن رشد است. در قانون فرانسه طبق مواد ۱۹ و ۲۴ ق. ت. ف. ۶ ماه قبل از رسیدن بسن ۲۱ سال است. تبصره - در قانون فرانسه شرایط معنوی دیگری وجود دارد که بحث و تفصیل آنها چندان ضروری نیست معذالک بذکر یک مورد مختصر میپردازیم :

این مورد عبارتست از صرفنظر کردن از حق رد تابعیت « Renonciation à la foculté de répudiation »

باین معنی که طفل میتواند بعد از سن ۱۸ سال شخصاً و قبل از آن یعنی بین ۱۶ تا ۱۸ سال با اجازه پدر یا مادر یا ولی یا قیم خود از حق رد و انتخاب تابعیت صرفنظر کند. و قبل از سن ۱۶ سال نیز ابویین یا ولی و یا قیم طفل میتوانند با دادن تقاضای کتبی به مراجع مربوطه طفل را از حق مزبور محروم نمایند. (مواد ۵۳ و ۵۴ ق. ت. ف. این مقررات کم و بیش غیر منطقی بنظر ما میرسند ولی چون دارای فوائد زیادی هستند بد نیست که مورد توجه قانونگذار کشور ما هم قرار گیرند.

بشرایطسوری و آئین دادرسی: « Conditions de forme et de procedure » بر طبق ماده ۹۷۷ ق. م. ا. و ماده اول آئین نامه اجراء قانون تابعیت مورخ ۱۳۱۴/۲/۱۳ تقاضای مزبور بایستی در دو نسخه به وزارت امور خارجه تقدیم شود. **تقاضا باید طبق نمونه ۱** (رجوع بآخر کتاب) و روی کاغذ رسمی باه ریال تمبر باشد. هویت و امضاء متقاضی باید توسط پلیس تصدیق شود. و در خارج ایران باید تصدیق توسط نمایندگان سیاسی و کنسولی بعمل آید.

ضمائم تقاضای مزبور عبارتند از :

- ۱ - شناسنامه و مدارک تولد.
 - ۲ - دو قطعه عکس متقاضی.
 - ۳ - مدارک مثبت خارجی بودن پدر متقاضی
 - ۴ - گواهی دولت متبوع پدر مبنی بر تابعیت مشارالیه
 - ۵ - رونوشت شناسنامه ها و مدارک ازدواج ابویین متقاضی .
- وزارت امور خارجه پس از وصول تقاضا و مطالعه مدارک و تحقیق لازم در اطراف متقاضی در صورت قبول تقاضا موافقت خود را بر طبق نمونه ۲ اعلام داشته و متقاضی مبلغ ۶ ریال هزینه دفتر را میپردازد.
- در حقوق فرانسه این تقاضا باید در داخله به امین صلح (که در این مورد نماینده اداری محسوب است) و در خارجه بنماینده سیاسی و کنسولی تقدیم شود.

در مورد شرایط سوری مذکور مقررات حاصله دیگری در مواد ۱۰۱ تا ۱۱۰ ق.ت. ف. موجود است که در صورتیکه با مطالعه دقیق پاره‌ای از آنها در قوانین کشور ما گنجانده شوند مناسب خواهد بود و البته از بحث آنها بعلت عدم ضرورت فوری صرفنظر میکنیم.

اثرات رد تابعیت. «Effets de la répudiation»

قبلا در نمره (۵۲) دیده شد که اطفال متولد در ایران (مشمولین بند ۴ و ۵ ماده ۹۷۶) ایرانی هستند و فقط میتوانند در یکسال پس از رشد بتابعیت پدر خود در آیند. اطفال مزبور در آن فاصله دو مرحله دارند:

یکی تا سن رشد.

دیگری یکسال پس از رشد.

مرحله اول - در سنین قبل از رشد اطفال با استفاده از مزایای قوانین ایران از اهلیت تمتع کامل بهره ور شده و براحته تملکات بلاعوض مینماید. مرحله دوم - در سنین بعد از رشد اطفال از اهلیت استیفا نیز برخوردار شده و میتوانند هرگونه معامله و تعهدی شخصاً انجام دهند.

از طرفی میدانیم که در اکثر کشورها بالاخص ممالک اروپائی سن رشد ۲۱ سال است و ناچار به اطفال مزبور در فاصله زمانی سه سال بین ۱۸ و ۲۱ سال فاقد اهلیت بوده و از انجام اعمال و عقود آزاد محرومند (برخلاف کشورما)

حال با این مقدمه بررسی اینمطلب لازم میشود که: چنانچه اینقبیل افراد در مهلت مقرر یکسال پس از سن رشد معاملات و تعهداتی انجام دهند (بعبارة اخری از مزایای قانونی اهلیت تمتع و استیفاء که خاص ایرانیان است استفاده کامل نمایند) و سپس از تابعیت ایران صرفنظر و بتابعیت پدر خود در آیند تکلیف گذشته و اعمال انجام داده آنها چه خواهد شد؟ و آیا:

۱ - خروج از تابعیت ایران در گذشته طفل اثری نداشته و بایستی نسبت بآتیه ملحوظ شود؟

۲ - و یا خروج طفل از تابعیت ایران معلق بوده و بایستی عطف بما سبق هم بشود؟

در قوانین ایران چیزیکه رافع اشکال بالا بوده و تکلیف قطعی موردرا تعیین نماید وجود ندارد. لیکن از فحوای کلی قوانین و همچنین از اینکه تاکنون تعرضی از طرف مقامات صلاحیتدار نسبت باینموضوع بعمل نیامده چنین مستفاد میشود که اطفال مزبور تا تاریخ انصراف از تابعیت ایران و انتخاب تابعیت پدر خود ایرانی شناخته شده و کلیه مزایای مربوطه را حفظ خواهند کرد.

تفسیر و انتقاد: «Commentaire»

الف- موافقین نظریه بالا و کسانی که معتقد بحفظ تابعیت سرزمینی گذشته طفل میباشند چنین استدلال میکنند:

اولا - اطفالیکه از تابعیت سرزمینی خود صرفنظر کرده و بتابعیت پدر در میآیند در حقیقت مانند آنستکه تابعیت موقتی خود را رها کرده و بتابعیت اصلی و اولیه خویشتن

برگشت نمایند «Reintegration» درچنین صورتی نه قانوناً امکان دارد و نه عقلاً و منطقاً سزاوار است که چنین اشخاصی را از کلیه مزایای مکتسبه تا آن تاریخ محروم کرده و اعمالشان را کان لم یکن دانست.

ثانیاً - چنانچه اطفال مزبور که بتابعیت پدر خود میگردند نسبت بسنین گذشته خارجی تلقی شوند در حقیقت مانند آنستکه از این تغییر تابعیت نتیجه عطف بما سبق گرفته شود و حال آنکه ماده ۴ قانون مدنی عطف بماسبق را جز در مواردی که در خود قانون مقرر باشد صریحاً منع کرده است و در اینمورد موضوعیکه دلالت بر استثناء نماید وجود ندارد.

ب - مخالفین نظریه بالا و کسانی که طرفداران کان لم یکن بودن تابعیت سرزمینی میباشند چنین استدلال میکنند :

اولاً - دلائل مزبور از نظر حقوقی ارزشی ندارند زیرا موضوع مورد بحث موضوع حقوقی نیست برای آنکه از یکطرف خود تابعیت امر حقوقی نسبت و از طرف دیگر طفل تا سن ۱۸ سال صغیر است و صغیر نیز نمیتواند عمل حقوقی مستقل انجام و عقود و قرار دادهای دو جانبه امضاء نماید. (رجوع بمواد ۱۹، ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ - ۲۱۰ و ۲۱۳ - ۱۱۰۷ تا ۱۲۱۰ و ۱۲۱۲ تا ۱۲۱۴ ق.م.ا) و فقط میتواند تملکات بلاعوض نماید. (مواد ۱۲۱۲ تا ۱۲۱۴ ق.م.ا)

ثانیاً - فرض کنیم که بر خلاف ادعای بالا اعمال حقوقی هم انجام گرفته باشد. برای انجام آن اعمال بایستی شرطی در باطن امر تحقق یابد تا صحت آن اعمال صورت پذیرد رد دو شرط مستتر آنستکه طفل تابعیت سرزمینی را که تا آن تاریخ باو اعطاء شده بود انتخاب نماید و گرنه قانون هیچ کشوری آن اندازه نسنجیده و بی بند و بار نیست که بطفلی در مدت یکسال پس از رشد اجازه دهد که با آزادی کامل از مزایای قانونی کشور استفاده نموده و سپس بتغییر تابعیت نتیجه زحمات و فواید حاصله را بسر زمین دیگری ببرد.

ثالثاً فرض کنیم که دلائل بالا کامل و رافع اشکال نبوده باشند. اما باید توجه کرد که بر حسب تعریف (نمره ۶) تابعیت موضوعی صرفاً سیاسی و فقط از ارکان حقوقی عمومی است. از طرفی موضوع مورد بحث موضوعی کاملاً خصوصی است زیرا مربوط باطفالیستکه بر طبق قانون فعلاً دارای تابعیت سرزمینی ایران بوده و ممکن است در آتیه احتمالاً بتابعیت دیگری درآیند.

بنابراین مسئله منع عطف بماسبق که از حقوق مدنیست (حقوق عمومی) وقتی در مقام حقوق خصوصی قرار گیرد نمیتواند تعمیم پیدا کرده و باین قسمت از موضوع تابعیت سرایت کند

رابعاً - اگر قانونگذار اینقسمت از موضوع تابعیت را بطریقی تقنین و تدوین میکرد که جلوگیری از سوء استفاده واقعی یا احتمالی افراد خارجی با ماء لا خارجی بعمل میآید و اگر مانع میشد که اینقبیل افراد مجاناً از تمام وسائل زندگی اجتماعی و تعلیم و تربیت و بهداشت مجانی و سایر حقوقیکه خاص اتباع کشور و افراد ملت است بهره مند شده و سرانجام وقتی موقع استفاده از وجود آنها فرا میرسد و فیالمثل آماده برای انجام خدمت زیر پرچم و یا خدمت دیگری میشوند بیک باره خود را معاف نمایند و تابعیتی را که بآنها اعطاء شده بود

بدور اندازند. در چنین صورتی هیچ بحث و انتقادی موضوع پیدا نمیکرد. خامساً - موضوع برگشت تابعیت در این مورد مطرح نبوده و قابل بحث هم نیست زیرا با زمان حقوقی و چنانکه بعداً خواهیم دید باید توجه کرد که برگشت تابعیت ناشی از یک تغییر تابعیت است باین معنی که مثلاً کسی تابعیت کشور الف را دارد و پس از مدتی با انجام شرائط محوله و خدمات مرجوعه از آن تابعیت خسته شده و یا برای مقاصد خاص دیگری بتابعیت کشور بعدی که دوست میدارد در میآید. لیکن موضوع مورد بحث ما اطفالی هستند که با آنها تابعیتی اعطاء شده و یا بعبارة واضح تر «تحمیل قانونی شده» بعد باز با همان قانون بآنها امکان و اجازه تابعیت خاص دیگر بمعنی تابعیت کشور پدر خود (نه هر تابعیتی که بخواهد) داده میشود.

نتیجه «Epilogue» اینک که بر حسب قوانین مشروحه استرداد تابعیت اعطائی باطفال متولده در ایران از پدر خارجی یا پدر متولد ایران مورد قبول واقع شده (این خود عملی است که جز در مورد بسیار نادر بیفائده و نا متناسب است رجوع بمواد نمرات ۴۳ ۴۶ و ۵۷) پس لازم میآید که بعد از انجام این عمل خاصیت و اعتبار ایرانی بودن آنها را مطلقاً کان لم یکن فرض نمایند تا:

اولاً - بدینوسیله منافع واقعی آن افراد و با فوائد سیاسی کشور و سائر این قبیل مسائل حفظ شود.

ثانیاً - بایشان امکان برگشت بتابعیت ایران و مهد تولد اولیه شان داده شود.

تبصره

در قانون تابعیت فرانسه (بند ۲ و ۳ ماده ۹۲ ق. ت. ف) عقیده حفظ تابعیت سرزمینی اولیه جاری بود و چنین اطفال را در سالهای قبل از انتخاب تابعیت فرانسوی میشناسند لیکن این موضوع با تلفیق با سائر قوانین آن کشور هیچگونه اثر و ضرریکه برای ما موجود و در (نمره ۵۷) مذکور افتاد ندارد. زیرا در قانون فرانسه طفل فقط در ۶ ماه قبل از رسیدن بسن رشد حق مذکور را دارا میباشد و در این صورت چون هنوز بسن رشد نرسیده نمیتواند اعمال و تعهدات حقوقی قابل ملاحظه ای انجام دهد تا پس از رد تابعیت اولیه مجبور بنفی آنها شوند.